



جستار

مریم شهبازی

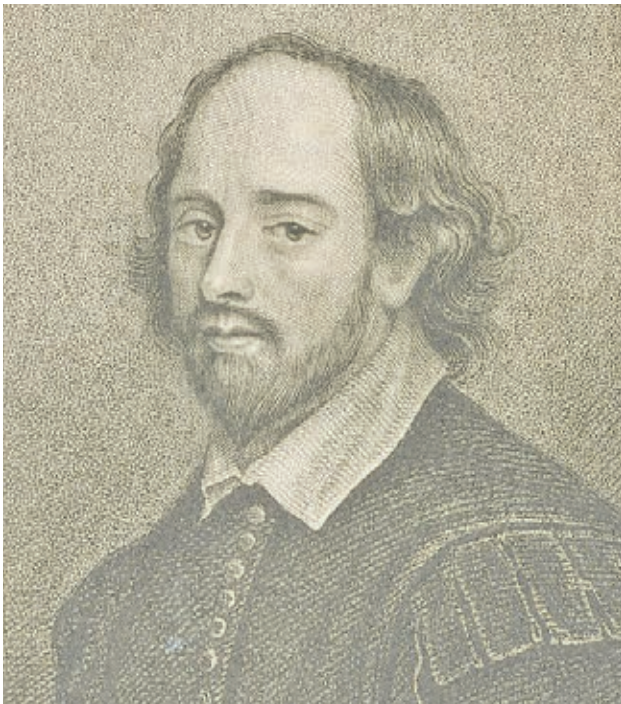
گروه کتاب

تهران، کلان شهری است که ریتم زندگی در آن گاهی از تندترین سبک‌های موسیقی هم پیشی می‌گیرد و برای اغلب ما تنها صحنه شلوغ عبور روزمره است، اما کامران سپهران در «گذرهای جستاری موجود پیاده‌رونده» این صحنه را کند می‌کند تا چیزهایی را ببیند که در شتاب روزانه گم می‌شوند؛ حاشیه‌های یک پرتره ادبی، جزئیات یک اجرای نمایشی، یا تناقضات رفتاری یک شهروند خیالی. کتاب «گذرهای جستاری موجود پیاده‌رونده» در سه بخش و هفده جستار، گونه‌شناسی طنزآلود «هوموترانیکوس»، و طرح بحث‌های جدی درباره اقتباس و ژانر تا بازخوانی گزارش فوتبالی سعید نفیسی و حتی مقایسه‌ای مختصر از زندگی سیاسی و ادبی ارنست تولر با واتسلاو هاول، دو رئیس جمهوری نمایش نامه‌نویس، یک مسیر پیاده‌روی فکری را پیش روی مخاطبان می‌گذارد. سپهران با زبانی روانی و آمیخته به دقت پژوهشی، نشان می‌دهد پرسه‌زدن می‌تواند بستری باشد برای دیدن، فهمیدن، و حتی بازاندیشی در فرهنگ معاصر.

چهره‌نگاری‌های مختصر اما عمیق این کتاب که از سوی نشر گیلگمش منتشر شده، با پیشگفتاری از کامران سپهران و اشاره‌اش به تاریخچه جستارنویسی آغاز شده است. نویسنده درباره ابتکار میشل دو مونتینی، فیلسوف قرن شانزدهمی در جستارنویسی نوشته است؛ سبکی که از همان ابتدا بنای آن را بر «هرآنچه دل نکشت می‌خواهد بگو» می‌گذارد؛ دو مونتینی هم در کتاب جستارهایش از مکتوب‌ترین جنبه‌های زندگی شخصی خود گرفته تا مردم‌شناسی اجتماعی و بسیاری مسائل دیگر را درهم آمیخته و پیش روی مخاطبان می‌گذارد. هرچند که در ادامه این سبک جستارنویسی چندان مورد اقبال قرار نمی‌گیرد و برخی نظیر بلز پاسکال، فیلسوف و فیزیک‌دان قرن هفدهمی به آن نقد می‌کنند. اما همین بی‌نظمی در یک قرن بعد مورد توجه قرار می‌گیرد. در نتیجه چنین اختلاف‌نظرهایی است که امروزه با انواع و اقسامی از جستارنویسی روبه‌رو هستیم. این کتاب در سه بخش اصلی «چهره‌نگاری برق‌آسا»، «تک‌نگاری برق‌آسا» و «زندگی نگاره» نوشته شده است. سپهران در گذرهای جستاری موجود پیاده‌رونده» به برخی کنش‌های پیاده‌روی در فضای شهری اشاره دارد و در قالب هفده جستار به شرح وضعیت اجتماعی و ذهنی مردمی می‌پردازد که با دغدغه‌های مختلف قدم به خیابان‌های پایتخت می‌گذارند. بخش اول کتاب درباره‌زنده پرژه‌های کوتاه از چهره‌های هنری، فلسفی وادیی است که بعضی تنها چند صفحه‌اند، اما لایه‌هایی از شخصیت را آشکار می‌کنند که معمولا در زندگی نامه‌های رسمی نادیده می‌ماند. برای مثال، جستار «ویلیام شکسپیر» نه تحلیلی خشک که تصویری زنده از نویسنده‌ای ارائه می‌دهد که جلوه‌هایی

پرسه‌زدن با شکسپیر و نفیسی

نگاهی به گذرهای جستاری موجود پیاده‌رونده جستارهایی از کامران سپهران



درباره چخوف نیز تکرار کرده است. او چخوف را زامبی ادبیات خوانده و درباره چرایبی این تشبیه گفته همان‌طور که زامبی تقابل اساسی مرگ و زندگی را دست می‌اندازد، چخوف نیز دسته‌بندی‌ها و تقابل‌های جا افتاده در تاریخ ادبیات را مختل می‌کند. سپهران این زامبی‌وار بودنی که به چخوف نسبت داده را با مثال‌های مختلفی شرح داده است؛ از جمله «زامبی‌وری چخوف نمی‌گذارد این

از دنیا را به روی صحنه‌ای پر از تماشاگر بازآفرینی می‌کند. او این جستار را به نقل از شکسپیر و در قالب توصیه‌هایی برای علاقه‌مندان آثارش نوشته است؛ سپهران ویژگی‌های جالب توجهی از سبک نوشتاری شکسپیر، نظیر جنبه واقع‌گرایانه بخشیدن به تک‌گویی و محافظه‌کاری‌اش در کمدی را در این جستار آورده است. سپهران همان‌گونه که بر نگاه و قلم تصویری شکپیر تأکید دارد، این مساله را

چهره متفاوت سعید نفیسی سپهران در فصل اول به سراغ سعید نفیسی، ادیب و مترجم و مورخ سرشناس هم رفته و درباره علاقه‌مندی نویسنده‌گان



حلقه فکری است؛ معرفی جنبشی که از ادبیات و هنر به همه حوزه‌های فرهنگی نفوذ کرد و نگاه به فردیت، احساس و طبیعت را درگون ساخت. رمانتیسم به عنوان یک جریان فرهنگی و هنری تأثیری عمیق در ادب و هنر داشت و تفکرات و ایده‌های آن همچنان بر بسیاری از آثار فرهنگی معاصر تأثیرگذار هستند. سپهران در «تاتارکاسی در عصر مشروطه» دریچه‌ای به صحنه‌ای تاریخی باز می‌کند که در آن تاتار، نه فقط وسیله سرگرمی، بلکه ابزار سیاست‌ورزی و گفت‌وگوی اجتماعی بوده است. این کتاب که از سوی انتشارات نیلوفر منتشر شده، نشان می‌دهد چگونه نمایشنامه‌ها و اجراها، درون‌مایه‌های مشروطه و مطالبات مردم را بازنمایی می‌کردند. سپهران در کتاب «ردپای لرزل» (انتشارات شیراز)، به سراغ رمان تاریخی ایران در دهه‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ رفته و از این منظر، تکان‌ها و شکاف‌های اجتماعی را بازخوانی کرده است. این اثر هم به علاقه‌مندان ادبیات تاریخی و هم به پژوهشگران علوم اجتماعی، منبعی غنی ارائه می‌دهد. کتاب «دینامیت، کمانچه، خودکار جادویی» اما حوزه دیگری را نشانه گرفته، مقالاتی که به گوشه‌های فراموش شده تاریخ فرهنگی ایران می‌پردازند و می‌کوشند آنچه از نگاه مورخان سنتی دور مانده را ثبت کنند. سپهران در این کتاب که از سوی انتشارات شیرازه منتشر شده، علاقه‌اش به تاریخ روزمره و عادات کمتر جدی‌گرفته‌شده را آشکار ساخته است. این کتاب تأکیدی است بر ضرورت گسترش شعاع دید تاریخ‌نگار

جهان چندلایه آثار سپهران

کامران سپهران، از آن دست نویسندگان و پژوهشگرانی است که مسیر کاری‌اش همزمان در چند حوزه پیش رفته: تدریس دانشگاهی، پژوهش در حوزه تئاتر، ترجمه متون فلسفی و هنری و تألیف کتاب‌هایی که ذهن و زبان را به جست‌وجوی افق‌های تازه دعوت می‌کنند. او عضو هیأت علمی دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر است و از دو دهه قبل برای تلفیق جهان نظریه و تجربه عملی در عرصه فرهنگ و هنر می‌کوشد. کارنامه سپهران ترکیبی است از ترجمه آثار مهم اندیشه و هنر، پژوهش‌های تاریخ‌نگارانه و مطالعاتی که به لایه‌های کمتر دیده‌شده جامعه ایرانی می‌پردازد. نگاهی به ترجمه‌های سپهران گویای آن است که او انتخاب کتاب را به‌مثابه برنامه‌ریزی یک دوره آموزشی می‌بیند. اما آیا این هنر است؟ نوشته سینتیا فرلیند، یکی از نمونه‌های این گفته است؛ کتابی که نشر مرکز آن را منتشر کرده و به زبانی ساده، چیستی هنر و بحث‌های پیچیده فلسفه هنر را با مثال‌های ملموس گره می‌زند. در کتاب‌های «مدزیسم» نوشته کریس ودریکز (انتشارات شیراز) و «دریدا» اثر جف کالینز (انتشارات پردیس دانش)، او سراغ جریان‌ها و چهره‌های کلیدی قرن بیستم رفته است. این دو کتاب، هرچند کوتاه و مصوراند، اما پلی برای ورود خواننده فارسی‌زبان به مباحث دشواری مانند ساختار شکنی یا زیبایی‌شناسی مدرن فراهم می‌کنند. «رمانتیسم» نوشته دانکن هیث نیز بخش دیگری از این

کرده که در رسانه‌های دوره رضاشاه به آن برخورده است؛ مطلبی با عنوان «لذت فتح» که یک گزارش فوتبالی به قلم سعید نفیسی است، گزارشی که البته شباهتی به گزارش‌های مرسوم فوتبالی ندارد. در جستار دیگری، سپهران به مقایسه میان ارزشت تولر با واتسلاو هاول پرداخته است، هاول بعد از تولر دومین نمایش نامه‌نویسی است که به جایگاه ریاست جمهوری دست پیدا می‌کند؛ البته با یک تفاوت مهم. تولر تنها شش روز بر مسند قدرت باقی ماند ولی هاول فراتر از یک دهه بر کرسی ریاست جمهوری چکسلواکی و بعدتر هم جمهوری چک تکیه زد. هاول از زندان به ریاست جمهوری راه یافت و تولر مسیری بالعکس را طی کرد و تاوان آن شش روز را با شش سال زندان پس داد. این دو تفاوت‌های دیگری هم داشتند، به خصوص در نمایشنامه‌نویسی. نمایشنامه‌های اکسپرسیونیستی تولر فضایی آخر زمانی و تیره و تار می‌سازد که در جست‌وجوی معنویت است اما هاول به نمایشنامه‌های خود جلوه‌ای این زمانی می‌بخشد و خیلی صریح به نقد سرخوشانه ایدئولوژی حاکم می‌پردازد. پرتنه‌هایی که سپهران در این فصل به شرح بخشی از زندگی با آثار آنان پرداخته، نه تنها برای مخاطب آشنا با تاریخ هنر و ادبیات جذاب‌اند، بلکه خواننده‌های تازه‌کار را هم به ماجراجویی در متون و زندگی‌ها ترغیب می‌کنند.

در بخش دوم با عنوان «تک‌نگاری برق‌آسا» وارد قلمرو نظریه اجرای شود، جایی که تجربه تئاتر را با یادداشت‌های جستارگونه پیوند می‌زند. جستارهای این بخش اغلب حول یک ایده یا موضوع خاص نوشته شده‌اند و پیش‌تر جستاروسبک و ژانر، به مفهوم فردیت می‌داند و تأکید دارد از منظر عالم هنر، این فردیت را به نحوی دقیق‌تر، مفهوم سبک (style) به معنای امروزی‌ان نمایشندگی می‌کند. سپهران در بخش دیگری از این جستار به مزایایی اشاره کرده که ژانر در اختیار محقق می‌گذارد چراکه محقق باید به الگوهای فرمی و زیبایی‌شناختی توجه داشته باشد که اساساً آن ژانر خاص را شکل داده است.

جستاری در نقد رفتارهای اجتماعی پایتخت‌نشین‌ها شاید شاخص‌ترین جستار طنزآلود کتاب «خیابان جردن» هوموچرندیکوس» باشد؛ ارائه شرح مختصر درباره فصل‌های کتاب و برخی جستارهای آن که بگذریم، کتاب «گذرهای جستاری موجود پیاده‌رونده» با ساختار سه‌بخشی و موضوعات متنوع، به خواننده یادآوری می‌کند که تجربه فرهنگی یکی مسیر چندوجهی است؛ «از خواندن تا دیدن، از شنیدن تا قدم‌زدن». سپهران نشان می‌دهد چگونه می‌توان از کنار هم نشاندن چهره‌ها، نظریه‌ها، طنزها و اساد، تصویری تازه از زندگی شهری و فرهنگی امروز ایران به دست داد. شاید دعوتی به قدم‌زدن با چشمان باز، به دیدن آنچه دیدگان نادیده می‌گیرند، و به نوشتن تجربه‌هایی که هرچند شخصی‌اند، اما می‌توانند آینه‌ای برای فرهنگ جمعی باشند.

کامران سپهران درگذرهای جستاری موجود پیاده‌رونده» به برخی کنش‌های پیاده‌روی در فضای شهری اشاره دارد و در قالب هفده جستار به شرح وضعیت اجتماعی و ذهنی مردمی می‌پردازد که با دغدغه‌های مختلف قدم به خیابان‌های پایتخت می‌گذارد

«نوشتن زندگی» در هفت جستار در حقیقت تلاشی است برای بیان دشواری‌ها و چالش‌های مسیر نویسندگی. آتی دیلارد در این اثر نشان می‌دهد چگونه صرفاً امری فنی یا تکنیکی نیست، بلکه پیوندی عمیق با تجربه‌های انسانی و زیسته است



آتی دیلارد برای توضیح لحظه آغاز نوشتن، مثالی به‌یادماندنی می‌زند؛ او می‌گوید همان‌طور که می‌توان پرواز یک زنبور عسل را دنبال کرد تا به کندو رسید، می‌توان مسیر نوشتن را هم از یک نقطه کوچک آغاز کرد. کافی است زنبوری را از روی گلی بگیریم و رها کنیم؛ او می‌گوید زنبور از راه خانه‌اش را می‌شناسد و ما با نگاه کردن به پرواز، او به آرامی به سوی مقصد هدایت می‌شویم. حتی می‌توان زنبورهای بیشتری را دنبال کرد و هر بار از مسیری تازه، اما به همان جایگاه رسید. نوشتن نیز چنین است؛ گاهی با یک تصویر ساده، یک خاطره،



یکی از استعاره‌های جذاب دیلارد درباره نوشتن چنین است: «نوشتار ضعیف است. و بسیاری از مردم زندگی را به آن ترجیح می‌دهند. زندگی خون‌تان را می‌گیرد و به جای آن احساس خوبی به شما می‌دهد. اما نوشتن فقط نوشتن است. فقط ادبیات است. به ظریف‌ترین حواس متوسل می‌شود، یعنی دیدن و شنیدن و تخیل؛ و حس اخلاقی و عقل. وقتی نوشتن شما را هیجان‌زده می‌کند و به وجد می‌آورد، گویی در میان جمعی پاکوبی می‌کنید اما دیگران صدای آن را به سختی می‌شنوند.»

تمرکز نویسنده را بهم برزند. هجوم گاه و بی‌گاه حواس پرتی‌ها، نیازهای جسمانی و قضاوت‌های پیش‌رو همه و همه می‌توانند از چالش‌های اساسی نوشتن باشند. دیلارد، نویسنده را در مقام خالق یا چالشی عظیم‌تر هم دست به حرکت می‌بیند. تلاش نویسنده برای ساختن بنایی در نهایت زیبایی از آرا و اندیشه‌هایش. او نویسنده را مهندسی می‌بیند که هر اندازه برای ساختن عمارتی در نهایت زیبایی زحمت بکشد باز هم ممکن است جایی را خراب کند بی‌آنکه خود از آن آگاه باشد. او معتقد است مخاطبی که از پنجره‌ای دورتر شاهد این بناسنت قطعا با دیدن اولین نشانه‌ها از لرزیدن عمارت از متن فاصله می‌گیرد و هر چه نویسنده با صدای بلند فریاد بزند این بنا شاهکار است، صدایش راه به جایی نمی‌برد. با همه این‌ها، آنچه نویسنده‌های دیلارد را متفاوت و خواندنی می‌کند، توانایی‌اش در دگرگون کردن این رنج‌ها به نثری گوش‌نواز است. او قلم را همانند چوب رهبر ارکستر حرکت می‌دهد و خواننده را در جادوی هنرنوایی کلماتش غرق می‌کند. دیلارد نشان می‌دهد که زیبایی و بلاغت نه تنها در تقابل با یکدیگر قرار ندارند، بلکه می‌توانند در کنار هم، تجربه‌ای والاتر پدید آورند. اگر کسی به خلاف این باور دارد، کافی است جستار کوتاه او را بخواند تا به چشم ببیند که چگونه جادوی زبان می‌تواند هم در وضوح عقل بدرخشد و هم در لطافت شعر.

کتاب «نوشتن زندگی» مانند روحیه طبیعت‌گرایی آتی دیلارد سرشار از پیوندهای نزدیک با عناصر طبیعی است. دیلارد در جای جای این جستارها مثال‌هایی از طبیعت می‌آورد. طبیعتی در بکرترین حالت آن، جایی که انسان برای برآورده کردن نیازهایش دست به کار می‌شود. برای خوانندگان عادی و نویسندگان تازه‌کار و مخاطب‌های جدی ادبیات و پژوهشگران، این مجموعه جستارها دریچه‌ای تازه به مفهوم «نوشتن» می‌گشاید. برای او نویسندگی صرفاً یک فعالیت هنری یا شغلی نیست، بلکه راه و رسم زندگی است. همین پیوند ژرف و بحث‌انگیز میان زیست روزانه و جهان کلمات، آثار او را به تجربه‌ای جذاب بدل کرده است. دیلارد با نگاهی دقیق و بی‌پرده، از وسواس نویسندگانی می‌گوید که سعی می‌کنند پهنه گسترده جهان را در چند سطر محدود کنند؛ سطرهایی که ناگزیر در بند قواعد زبان و تکنای واژه‌ها گرفتارند. از دید دیلارد، نویسندگی بیش از هر چیز میدان نبردی فرساینده است؛ جایی که دستاورد یک روز تلاش، شاید تنها چند جمله نیم‌بند باشد. مسائل و موضوعات روزمره با تمام سادگی و پیش‌با افتادگی می‌توانند



سراغ لحظه‌ها و موقعیت‌های عادی زندگی می‌رود. موقعیت‌هایی روزمره که هرکس می‌تواند آنها را تجربه کرده باشد. این پیوند میان امر عادی و امر خلاق، همان جایی است که نوشتن معنا پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت این کتاب نه تنها درباره نوشتن، بلکه درباره زیستن و نگریستن دوباره به زندگی نیز سخن می‌گوید.

یک واژه ناگهانی یا حتی یک حس گذرا آغاز می‌شود؛ چیزی کوچک که در نگاه اول بی‌اهمیت به نظر می‌آید، اما اگر شجاعت دنبال کردنش را داشته باشیم، ما را قدم‌به‌قدم به درون کندوی معنا و کشف می‌برد. با این حال، مهم‌ترین پرسش همچنان پابرجاست: آن اولین زنبور از کجا می‌آید؟ پاسخ این پرسش برای هر نویسنده‌ای متفاوت است. شاید از یک رویای نیمه‌شب باشد، یا از صدایی که ناگهان در خیابان می‌شنویم، یا از گفت‌وگویی گذرا یا کسی که هرگز دوباره نمی‌بینیم. گاهی اولین زنبور همان کنج‌گویی خاموشی است که در دل ما لانه کرده و منتظر فرصتی برای پرواز است. وظیفه ما تنها این است که چشم و گوش خود را باز نگه داریم و اجازه بدهیم آن لحظه کوچک، ما را به سفری بزرگ ببرد. آغاز نوشتن همیشه با یافتن اولین زنبور همراه است؛ و هنر نویسنده در این است که به‌موقع او را ببیند، آزادش کند و شجاعانه مسیر پروازش را دنبال نماید. کتاب «نوشتن زندگی» در هفت جستار در حقیقت تلاشی است برای بیان دشواری‌ها و چالش‌های مسیر نویسندگی. نویسنده در این اثر نشان می‌دهد نوشتن صرفاً امری فنی یا تکنیکی نیست، بلکه پیوندی عمیق با تجربه‌های انسانی و زیسته ما دارد. از همین رو برای توضیح بهتر و نزدیک‌تر کردن مفهوم نوشتن به ذهن مخاطب

«نوشتن زندگی» در هفت جستار در حقیقت تلاشی است برای بیان دشواری‌ها و چالش‌های مسیر نویسندگی. آتی دیلارد در این اثر نشان می‌دهد چگونه صرفاً امری فنی یا تکنیکی نیست، بلکه پیوندی عمیق با تجربه‌های انسانی و زیسته است